

مقاله پژوهشی

بازشناسی مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری

عناصر و ارزش‌ها

میترا کریمی

دکتری معماری منظر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمد رضا بمانیان**

استاد گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مجتبی انصاری

استاد گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

سید امیر منصوری

دانشیار گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده | منظر شهری، پدیده‌ای عینی-ذهنی و حاصل ادراک انسان از ابعاد مختلف شهر در قالب کالبد، فعالیت و معناست؛ اطلاعات منظر شهری به عنوان پدیده ادراک‌شونده، با حواس مختلف انسان شامل بینایی دریافت می‌شود. بخش عمده‌ای از دریافت انسان از محیط، به عنوان جزئی از فرایند ادراک، از طریق «دیدن» است. هرآنچه با دیدن فضا دریافت می‌شود، نظام بصری منظر شهری را شکل می‌دهد که به همراه اطلاعات دریافتی سایر حواس و در ترکیب توأمان با جنبه ذهنی (فهم فرد بر اساس تجارب، خاطرات، شرایط و ویژگی‌های فردی و اجتماعی) معنا می‌یابد و منظر شهری ادراک می‌شود. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های نظام بصری منظر شهری، با تأکید بر «کالبد»، ویژگی‌های آن و سازماندهی اجزای آن انجام شده و کمتر به «فعالیت» به عنوان جزئی از منظر شهری که توسط انسان دیده می‌شود، پرداخته شده است؛ به همین دلیل ضروری است که به نقش فعالیت در شکل‌گیری نظام بصری منظر شهری نیز پرداخته شود. هدف این پژوهش، بازشناسی مفهوم نظام بصری منظر شهری با تبیین عناصر آن و نوع ارتباط آنها با یکدیگر است که با بررسی ارتباط نظری میان مفهوم منظر شهری و اجزای آن و تبیین مفهوم ادراک با تأکید بر اطلاعات دریافتی توسط حس بینایی انجام می‌شود. نتایج این پژوهش که به صورت توصیفی-تفسیری و با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و سپس دسته‌بندی و استدلال منطقی انجام شده، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری در قالب عناصر بصری (شامل کالبد و فعالیت) و ارزش‌های بصری (کیفیت اجزا و ارتباط آنها با یکدیگر شامل کیفیت طبیعی بودن، راحتی و آسایش، خوانایی، سرزندگی و پویایی، زیبایی، انسجام و تداوم، هویت‌مندی، پیچیدگی و تنوع و زمینه‌گرایی) قابل تبیین است.

واژگان کلیدی | منظر شهری، نظام بصری، عناصر بصری، ارزش‌های بصری.

مقدمه | منظر شهری، دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن زیسته و با کالبد طبیعی و مصنوع محیط ارتباط معنایی برقرار کرده‌اند که در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی دارد. اگرچه منظر شهر براساس اصالت بعد

معنایی شهر پدید آمده، اما عملکردها و کالبد، ابزار کنترل و هدایت شهر است (منصوری، ۱۳۸۹). منظر شهری طبق تعاریف، دارای دو وجه توأمان عینی و ذهنی است؛ در این پژوهش، تمرکز بر جنبه‌ای از منظر شهری است که اطلاعات آن توسط حس بینایی دریافت و ادراک می‌شود. این وه نظام بصری منظر شهری

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۱۰۸۱۵۳۴۴@modares.ac.ir

آن، با بررسی موضوع ادراک و جایگاه حس بینایی در آن، به ارائه چارچوب مدنظر پژوهش پرداخته خواهد شد که نگاه جدیدی به نظام بصری منظر شهری است و در نهایت به تدوین مدل آن مبتنی بر عناصر بصری (اجزایی از منظر شهری که اطلاعات آن با حس بینایی دریافت می‌شود و دربرگیرنده «کالبد» و «فعالیت» است) و ارزش‌های بصری (کیفیت عناصر و ارتباط میان آنها) می‌انجامد. برای پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش، این فرضیه مطرح می‌شود که نظام بصری منظر شهری، از بخش قابل دیدن عناصر منظر شهری متشکل از «کالبد» و «فعالیت» و «کیفیت عناصر و ارتباط آنها با یکدیگر» تشکیل شده است.

پیشینه پژوهش

مفهوم منظر شهری و نظام بصری آن، در منابع و مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. گوردون کالن در کتاب «گزیده منظر شهری»، برای اولین بار به صورت مدون به موضوع منظر شهری و جنبه‌های عینی آن با تأکید بر کالبد منظر در قالب نظریه «دیدهای متوالی» پرداخت و سلسله‌ای از فضاها و توالی بصری و حرکت در منظر متمدنی را مطرح کرد که با حرکت انسان در فضا در پیش روی انسان قرار می‌گیرد (کالن، ۱۳۹۲). تام ترنر در کتاب «شهر همچون چشم‌انداز» با نگاهی متفاوت به شهر، موضوع برنامه‌ریزی در شهر و طراحی منظر شهری را دو موضوع غیرقابل تفکیک از یکدیگر می‌داند، شهر را منظر خوانده و اساسی‌ترین رکن شهر را چیزی می‌داند که ما ادراک می‌کنیم و منظر نام گرفته است (منصوری، ۱۳۸۹). سایمون بل در کتاب «عناصر بصری معماری منظر»، به نقطه، خط، سطح و حجم به عنوان عناصر پایه منظر و ویژگی‌های این عناصر و الگوی ترکیب و سازماندهی آنها به عنوان ابعاد کالبدی منظر تأکید کرده (بل، ۱۳۹۴) و جان ماتلاک (۱۳۹۴) در کتاب «آشنایی با طراحی محیط و منظر» به ابعاد مختلف منظر و از جمله ویژگی‌های بصری با تأکید بر نور و تنوع رنگ پرداخته است. لینچ در کتاب «شکل خوب شهر»، ابعاد مختلف ذهنی منظر شهری را بررسی کرده و به عوامل مؤثر در ایجاد منظر شهری خوب تأکید کرده است. ذکاوت (۱۳۸۵) در مقاله «چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر»، به مفاهیم کیفیت کالبدی بصری شهر همچون کریدورهای دید، انسجام و انضباط و دروازه‌های بصری پرداخته، انصاری، پورجعفر، صادقی و حقیقت‌بین (۱۳۸۸)، در مقاله «بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری»، بر ابعاد مختلف منظر شهری، متأثر از عناصر کالبدی بصری و کیفیت روابط بین این عناصر تأکید کرده‌اند. اود سنگ و همکارانش در مقاله‌ای به تدوین شاخص‌هایی برای ارزیابی بصری منظر در ارتباط با نظریه‌های زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند و پچیدگی، انسجام، آشوب، نظارت، تصویرپذیری، مقیاس بصری، طبیعی‌بودن، تاریخی‌بودن و موقتی و تغییرپذیربودن را به

را تشکیل می‌دهد که با سایر اطلاعات دریافتی از محیط و به صورت توأمان با بعد ذهنی، منظر شهری را شکل می‌دهد. اولین مواجهه هر فرد با فضای شهری، از طریق دیدن است. حس بینایی در انسان حس غالب است و بخش عمده‌ای از اطلاعات محیط توسط این حس دریافت می‌شود؛ به همین دلیل نظام بصری منظر شهری، زمینه‌ساز ادراک و ارزیابی فرد از شهر و فضای شهری است. درک اندازه و ویژگی‌های کالبدی فضا، جهت‌یابی، کیفیت نور، رنگ، شکل و بافت و سایر متعلقات محیط از جمله نوع و میزان حضور افراد، ارتباطات و رفتارهای آنها، عمدتاً از طریق حس بینایی روی می‌دهد. دید سه بعدی انسان از محیط، اطلاعاتی را در اختیار او قرار می‌دهد که از طریق دیگری قابل گردآوری نیست. ویژگی‌های طبیعی، قدرت و سیاست، اقتصاد، جهان‌بینی، مذهب و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در طول تاریخ همواره در شکل‌گیری منظر شهر مؤثر بوده‌اند و از سوی دیگر، منظر شهری نمادی برای بازخوانی این شرایط در جامعه بوده است. منظر شهری «خوب» می‌تواند توان رقابتی شهرها برای جذب جامعه مخاطب را افزایش دهد و ارزش افزوده اقتصادی، اجتماعی و محیطی برای شهر به دنبال داشته باشد (گلکار، ۱۳۸۷). کیفیت بصری شهرها تأثیر بسزایی بر تجربه افراد از محیط دارد و مطالعات نشان داده که شهرهای دارای محیط بصری مطلوب و شهرهایی که به دلیل کیفیت محیط بصری‌شان مورد توجه‌اند، باعث احساس رضایت، آرامش، جاذبه، تعلق خاطر و غرور در شهروندان می‌شوند (شاهین‌راد، رفیعیان و پورجعفر ۱۳۹۴، ۱۱). آنچه در تعریف نظام بصری مؤثر است، پذیرش آن به عنوان یک سیستم شامل «عناصر» و «کیفیت عناصر و ارتباط آنها با یکدیگر» در شهر است که توسط فرد دیده می‌شود. پرسش پژوهش حاضر آن است که نظام بصری منظر شهری از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده و در فرایند ادراک چه جایگاهی دارد؟

شاید در ابتدا تصور شود که مفهوم سیمای شهر نزدیکی قابل توجهی با نظام بصری منظر شهری دارد. اگر عناصر سیمای شهر را تصاویری از عناصر عینی شهر که در ذهن نقش بسته‌اند بدانیم (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۲۵)، منظر شهری مفهومی گسترده‌تر شامل کالبد، فعالیت و معنا را دربرمی‌گیرد. اگر صرفاً بر جنبه قابل دیدن عناصر «کالبدی» در منظر شهری تأکید شود، می‌تواند مفهومی نزدیک به سیمای شهر باشد؛ اما آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، نقش و جایگاه «کالبد» و «فعالیت» و وجه قابل دیدن آنها در شکل‌دهی به نظام بصری منظر شهری است. تاکنون مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون نظام بصری منظر شهری، بیشتر بر بعد کالبدی آن تأکید کرده و به جایگاه فعالیت‌هایی که در فضا صورت می‌گیرد، به عنوان جزئی از منظر که قابل «دیدن» است، پرداخته نشده است. در این پژوهش، پس از مروری بر مفهوم منظر شهری و ابعاد مختلف

با تحلیل محتوای این متون جمع‌آوری شده و پس از بررسی به شیوه توصیفی-تفسیری، با استدلال منطقی مؤلفه‌های بصری منظر شهری شامل عناصر و کیفیت‌هایی از آنها در منظر شهری (که اطلاعات آن از طریق حس بینایی به دست می‌آید) تبیین شده‌اند (تصویر ۱).

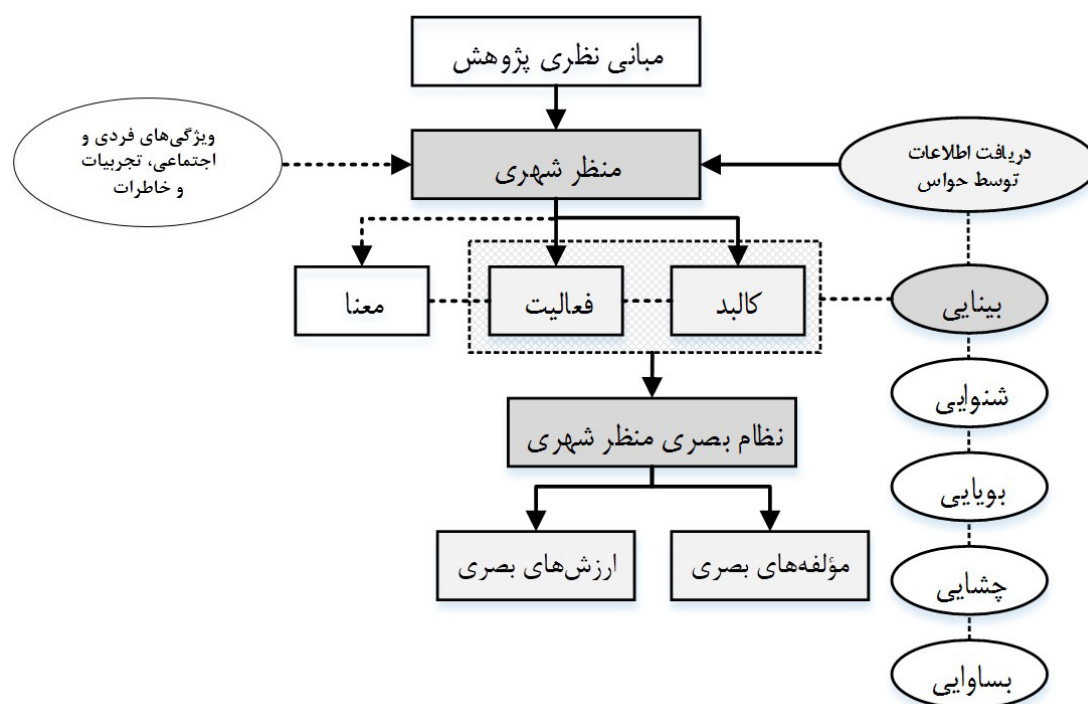
مبانی نظری پژوهش • منظر شهری

منظر، موجودیتی فضایی به عنوان سکونت‌گاه انسان است که حاصل تعاملات انسان با محیط پیرامونی، محیط طبیعی و اجتماعات انسانی و فرهنگ است (پوردیهیمی و سیدکلال، ۱۳۹۱، ۲۲). منظر شهری، فرم و هویت یک شهر و حس مکان را از طریق ابعاد زیبایی‌شناسانه و عملکرد شکل می‌دهد و می‌تواند جداکننده یا اتصال‌دهنده کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلف در محله و شهر باشد (Memlük, 2012, 282). منظر شهری ادراک سیال شهروندان از شهر را در ارتباط با نمادها و مصادیق فیزیکی با بررسی تاریخی و حوادث اجتماعی، مطالعه می‌کند و سلسله‌مراتب قلمروهای ادراکی فضا در ارتباط با زندگی اجتماعی، تاریخی و کارکردی شهر را تشخیص می‌دهد و در نگاهی واقع‌گرا، کارکردها و کالبد شهر را ابزار کنترل و هدایت منظر شهر می‌داند (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۲) و شامل ادراکات انسان از شهر است که از طریق تجربه و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود؛ مفهوم منظرین شهر به مثابه پدیده مشترک

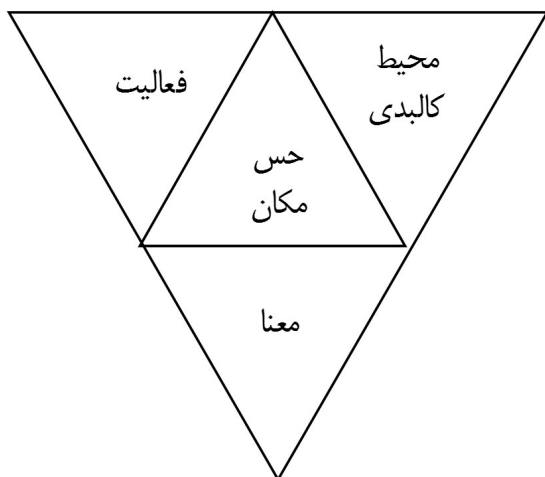
عنوان شاخص‌های مؤثر در ارزیابی بصری منظر معرفی کردند (Ode Sang, Tveit & Fry, 2008)؛ همتی و صابونچی (۱۴۰۰) نیز با بررسی نظریات مختلف و پذیرش منظر به عنوان رابطه ادراکی، به ارتباط میان سه مفهوم ادراک‌کننده، ادراک‌شونده و محصول این ارتباط پرداخته‌اند. ایتر در مقاله‌ای به اهمیت نوع فعالیت و کاربرد فضا در ارزش‌گذاری منظر شهری توسط مخاطبان پرداخته است (Eiter, 2010). با توجه به تکثر معنایی مفهوم منظر شهری (که باید برای تبیین نظام بصری آن مورد توجه باشد)، پژوهش‌گرانی مانند فورستر و همکارانش به تدقیق مفهوم منظر و بررسی آن در دیسپلین‌های مختلف و میان‌رشته‌ای پرداخته‌اند (Förster, Großmann, Iwe & Kinkel, 2012)؛ اما آنچه در این مفاهیم مشترک است، لزوم توجه به حضور و نقش انسان به عنوان عنصر اصلی در شکل‌گیری و ادراک منظر است. گربر و هس با نگرش پدیدارشناسانه به منظر، ریشه‌های نظری تعریف ارزش‌های منظر را بررسی کرده، به سه وجه کاربرد، وجود و ارزش‌های ذاتی منظر دست یافتند (Gerber & Hess, 2017).

روش انجام پژوهش

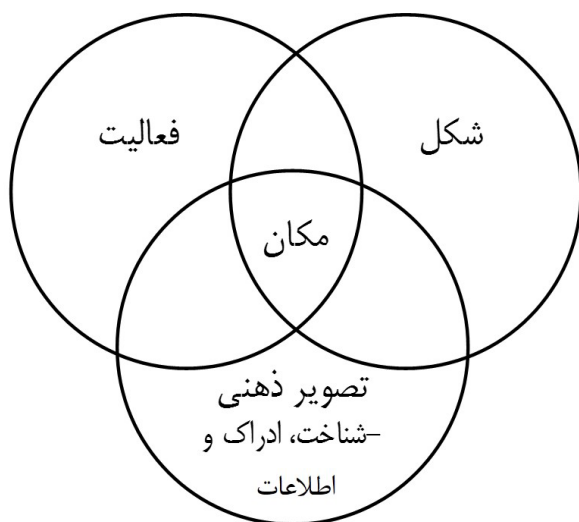
این پژوهش، از نظر ماهیت، کیفی است و برای دستیابی به مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری، متناسب با پرسش پژوهش، با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، به مفهوم منظر شهری و حس بینایی به عنوان یکی از حواس دریافت‌کننده اطلاعات از محیط پرداخته و دیدگاه‌ها و رویکردهای مرتبط با این مفاهیم



تصویر ۱. مدل پژوهش. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. اجزای مکان براساس نظریه رلف و پانتر. مأخذ: Montgomery, 1998



تصویر ۳. ایجاد حس مکان براساس نظریه موننگمری. مأخذ: Montgomery, 1998



تصویر ۴. مفهوم منظر. مأخذ: Tudor, 2014

میان کالبد، رویدادها و ذهنیت ساکنان است (مجیدی، منصور، صابر نژاد و براتی، ۱۳۹۸). منظر شهری پدیده‌ای «عینی-ذهنی»، «انسانی-کالبدی» و یک ساختار «اجتماعی-فضایی» است (ذکاوت، ۱۳۸۵) که طبق تعریف کنوانسیون منظر اروپا، توسط مردم ادراک می‌شود و ماهیت آن، نتیجه تعامل میان عوامل طبیعی و انسانی است. کالن معتقد است برداشت هر شخص از منظر شهری متأثر از حس بینایی، حس مکان و محتوای محیطی است که فرد در آن قرار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۱، ۵۹-۶۵). منظر گونه‌ای از مکان و محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی و محصول تجربه انسان در فضا و عرصه‌های میانی، حد واسط فضای معماری و طبیعی است. در طول تاریخ، تعامل انسان و محیط، به دست جامعه و در چارچوب اقتضائات طبیعی و تاریخی، منظر را پدید آورده؛ منظر فضای کلان زیست انسان در محیط است (منصوری، ۱۳۸۹).

ادوارد رلف خصوصیات کالبدی، فعالیت و معنا را سه عنصر تشکیل‌دهنده هویت مکان در تعامل با انسان می‌داند که تجربه آن می‌تواند گستره‌ای وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را دربرگیرد (Relph, 1976). او قرارگاه کالبدی و فعالیت‌های درون آن را به عنوان عینیت در نظر گرفته و معنا را عامل کلیدی ارتباط بین آن‌ها می‌داند (حیدری، مطلبی، و نکویی‌مهر، ۱۳۹۳، ۱۶) (تصویر ۲). دیوید کانتر (۱۹۷۷) نیز در مدل مکان، محیط شهری را به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد درهم‌تنیده کالبد، فعالیت و تصورات می‌داند (تصویر ۳). جذابیت‌ها و کارایی دو مدل رلف و کانتر، باعث شد تا صاحب نظران دیگر علوم محیطی نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه کنند؛ مدل «حس مکان رلف-پانتر» مبتنی بر کالبد، فعالیت و معنا و مدل «مکان کانتر-موننگمری» مبتنی بر کالبد (فرم)، فعالیت و تصورات ارائه شده است (کاوش‌نیا، بندرآباد، و مدیری، ۱۳۹۶؛ بحرینی، علی قلعه باباخانی، و سامه، ۱۳۹۳، (تصویر ۳).

آگوستین برک محیط و منظر را دو بعد تشکیل‌دهنده مکان تعریف می‌کند و معتقد است محیط با بعد کالبدی و واقعی فضا مطابقت دارد در حالی که منظر به تفسیری که از این بعد کالبدی و واقعی انجام شده، اشاره دارد و از آنجاکه نمی‌توان این دو بعد را از یکدیگر تفکیک کرد، منظر را بعد پدیدارشناختی، حسی و نمادین محیط می‌داند (Gerber & Hess, 2017). منظر نوعی رابطه با محیط و نوعی مکان است که وجود آن در گروهی ارتباط با سوژه و ذهنیت موجود زنده و واقعیت برآمده از ترکیب یک عینیت با حالتی است که این عینیت را به مثابه آن نمایش می‌دهد (منصوری و شفیعا، ۱۳۹۸). تودور در گزارش خود در خصوص ارزیابی ویژگی‌های منظر (LCA)^۱، منظر را تلفیقی از ابعاد طبیعی، فرهنگی-اجتماعی و ادراکی-زیبایی‌شناسی می‌داند (Tudor, 2014) (تصویر ۴).

شهری را می‌سازند. رابطه دائمی عناصر محیط و ذهن انسان و تعامل میان آنها، منظر را می‌سازد. آلوینگ (۲۰۰۲)، منظر را سندی تاریخی می‌داند که دربرگیرنده شواهدی از روند طولانی تعامل بین جامعه و محیط مادی آن است (Eiter, 2010, 340). منظر شهری، واقعیتی حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صداها و بوها در هنگام مواجهه فرد با پدیده شهر است (صالحی‌نیا و نیرومند، ۱۳۹۷) که به واسطه دریافت اطلاعات از محیط، پردازش آن توسط فرد بر مبنای ویژگی‌های فردی و اجتماعی، خاطرات، احساسات و تجربیات، جنبه ذهنی یافته و ادراک می‌شود. اطلاعات منظر شهری، توسط حواس پنج‌گانه و بخش مهمی از آن توسط حس بینایی دریافت می‌شود. آنچه در واقعیت بیرونی در فضای شهری وجود دارد و بخش قابل توجهی از اطلاعات آن با دیدن توسط انسان دریافت می‌شود، کالبد و فعالیت‌هایی است که به دلیل وجود کالبد مادی و حضور انسان‌ها و ارتباطات میان آنها در فضا دیده می‌شود (جدول ۱). در برخی موارد، فعالیت، جنبه غالب‌تری نسبت به کالبد در دیده شدن می‌یابد و تبدیل به مهم‌ترین عنصر اثرگذار در نظام بصری و ادراک انسان از فضا می‌شود؛ هرچه فعالیت در فضا قوی‌تر باشد، تأثیرگذاری بصری بیشتری در انسان دارد؛ تصاویر ۵ تا ۸ تأثیر فعالیت (به واسطه حضور انسان در فضا) در چگونگی دیده شدن منظر را نشان می‌دهد.

• نقش «دیدن» در فرایند ادراک منظر شهری

کیفیت بصری منظر، مفهوم گسترده‌ای است که امکان ارزیابی کلی منظر از طریق نحوه ادراک آن توسط عموم را میسر می‌کند (Watmann, Frick, Kienast & Hunziker, 2021). ادراک، فرایند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان و فرایندی فعال و هدفمند و نقطه‌ای است که شناخت و واقعیت در آن به هم می‌رسند (لنگ، ۱۳۸۶، ۹۷). به عقیده لینچ، شهر علاوه بر کالبد با زندگی ساکنان آن و تصویری که از شهر دارند معنا می‌شود. مردم و فعالیت‌های آنها به عنوان عناصر متحرک شهر در کنار عناصر ثابت، شهر را تشکیل می‌دهند. ادراک و تصویر ذهنی که مردم از شهر دارند، ناشی از کیفیت‌های بصری و تأثیر آنها بر تصویر ذهنی است. خوانایی و وضوح در درک سیمای شهر اهمیت بسیار دارد و در کنار سایر عوامل مانند احساسی که رنگ‌ها، اشکال، تحرک و تنوع نور برای چشم به وجود می‌آورند، بو، صدا، حس لامسه به شناخت و تشخیص محیط

در قرن ۱۷، عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی پدیده‌ها توسط دکارت مطرح شد و بین روح و جسم حایل ارزشی و میان واقعیت عینی و ذهنی تفاوت قایل شد که منشأ بسیاری از نگرش‌های عینی و ذهنی در ادامه شد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹، ۵۶). نگرش جزءنگرانه حاصل گسسته‌انگاری مؤلفه‌های ادراک‌کننده و ادراک‌شونده است و در نمونه‌هایی که توجه صرف به کالبد داشته و مؤلفه‌های اجتماعی در آن به صورت الحاقی است، دیده می‌شود؛ اما آنچه امروز در خصوص منظر پذیرفته شده، رویکرد کل‌نگرانه به ماهیت منظر است و مدل ادراک پیوسته که همواره فاعل و مفعول ادراک با یکدیگر در تعامل هستند را تبیین می‌کند و منظر را در رابطه دوسویه و پیوسته عینیت-ذهنیت می‌داند. انگاشتن محصول رابطه منظر به عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی به آن معناست که فضا به عنوان پدیده‌ای مکانمند تفسیر می‌شود که نه تنها واجد ابعاد بیرونی است، بلکه دارای ابعاد ذهنی است که در دستگاه ادراکی مخاطب شکل می‌گیرد و منظر نه در یکی از این دو بلکه در رابطه پیوسته و پویای آن ظهور می‌یابد (همتی و صابونچی، ۱۴۰۰). منظر شهری، ادراک شهروندان از شهر بر اساس پیام‌های ارسالی و دریافت اطلاعات آن توسط کلیه حواس و پردازش و تجزیه و تحلیل آن با نگاه به تجربه و ویژگی‌های فردی و اجتماعی فرهنگی است. انسان در هر زمان، با حضور در شهر و فضای شهر، با منظر شهری که تلفیقی توأمان از کالبد شهر و فعالیت در آن و شناخت، ارزیابی، قضاوت و در نهایت ادراک مخاطب از آن است، مواجه می‌شود؛ منظر شهری با دارا بودن دو وجه «توآمان» عینی و ذهنی، با دریافت اطلاعات از عوامل کالبدی در شهر و فعالیت‌های انسانی از طریق حواس خود و بر اساس تجربیات، احساسات و عواطف انسان در طول زمان که با تکرار و ایجاد خاطرات، تأکید بر هویت، فرهنگ و تجارب انسانی معنا می‌یابد.

• اطلاعات قابل دریافت از طریق حواس

منظر شهری نیز دارای دو بعد توأمان عینی و ذهنی و شامل جنبه‌های فضایی و ویژگی‌های مکان شهری (عینی) و نوع خاصی از سازماندهی فضایی و عملکردی طبیعت و فرهنگ شهری (ذهنی) که با حضور انسان و باورها و فرهنگ او در فضا معنا می‌یابد (امین‌زاده، ۱۳۹۵). دو وجه عینی و ذهنی قابل ادراک محیط، منظر شهر را می‌سازد که محصول تعامل میان اجزای متشکله آن است. با بهره از مدل رلف و پانتر، سه مؤلفه هم‌زمان و دارای ارتباط متقابل کالبد، فعالیت و معنا، مفهوم منظر

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های منظر شهری. مأخذ: وحدت، سجاذاده و کریمی‌مشاور، ۱۳۹۴.

ابعاد و مؤلفه‌های منظر شهری	
عوامل عینی	عوامل ذهنی
مؤلفه‌های زیباشناختی (عینی-ذهنی)	مؤلفه معنایی- ادراکی
مؤلفه عملکردی - فعالیت	

و ارتباط غیر کلامی با آن کمک می‌کنند و در مجموع، منجر به ایجاد تصویری از محیط در ذهن ناظر می‌شوند (لینچ، ۱۳۷۶). آرنولد برلینت (۱۹۹۸) معتقد است هنگامی که انسان با بدن خود در محیط قرار می‌گیرد و در آن حرکت می‌کند، محیط همه‌دامنه ظرفیت‌های حواس او را فعال می‌کند؛ برخلاف هنر که در آن برخی از حواس انسان فعال می‌شود. انسان موجودی اجتماعی-فرهنگی و محیط، ایده‌ای مختلط است. او معتقد است قلمرو کالبدی-فرهنگی که مردم در فعالیت‌های آن حضور دارند، تمام تار و پود زندگی بشر در الگوهای تاریخی و اجتماعی آن را می‌سازد (Nishimura, 2019, 114). ادراک، فرایند زیست‌شناختی و روان‌شناختی کسب اطلاعات از محیط (لنگ، ۱۳۸۶، ۸۹؛ پورتوس، ۱۳۹۱) و بخش جدایی‌ناپذیر منظر شهری است که بخش عمده‌ای از اطلاعات اولیه آن توسط حواس انسان (مهم‌ترین عامل برای ایجاد ارتباط میان انسان و محیط) قابل دریافت است. نظریات مرتبط با ادراک در جدول ۲ ارائه شده است. در فضاهای شهری، بخش عمده‌ای از حواس بینایی، شنوایی، بویایی و بساوی، تحت تأثیر زندگی شهری قرار دارد. از میان انواع حواس، بیشترین مقدار اطلاعات از طریق دیدن در اختیار انسان قرار می‌گیرد. بینایی حسی است که انسان با آن فکر می‌کند و حواس دیگر مشاهده را تکمیل کرده و دریافت پیام را تأیید یا تقویت می‌کنند؛ ۸۷ درصد اطلاعات دریافتی انسان از محیط توسط حس بینایی است (Bell, 2001). وجوه بصری منظر توسط حس بینایی به صورت مستقیم دریافت می‌شوند و محرک‌های حسی به ماهیت‌های ذهنی تبدیل می‌شود. در این فرایند چندمرحله‌ای، احساسات فرد بر چگونگی ادراک تأثیر خواهد گذاشت و سبب برقراری ارتباط میان اطلاعات پنهان ذهن بیننده و جنبه‌های دیگری از ویژگی‌های محیط خواهد بود که منجر به ادراک سه‌بعدی و فضایی منظر خواهد شد (شکبلی، ۱۳۹۰). از این رو، بیشتر مطالعات ادراک محیطی و به همین ترتیب ارزیابی‌های منظر، بر بعد بصری فرایند ادراک تمرکز دارند (Kaymaz, 2012, 253)، (تصویر ۹).

• نظام بصری منظر شهری

همتی و صابونچی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، به بررسی آرای اندیشمندان مختلف از مؤلفه‌های ادراک‌کننده، ادراک‌شونده و نسبت میان آنها و محصول آن به عنوان پدیده منظر پرداخته‌اند و منظر را رابطه‌ای ادراکی میان انسان به عنوان ادراک‌کننده، محیط به عنوان ادراک‌شونده با پیوندی پیوسته و محصولی با ماهیتی عینی-ذهنی دانسته و با رویکردی کل‌نگر، بر هم‌زمانی کلیه وجوه تأکید می‌کنند. ادراک منظر فرایندی مبتنی بر حس است که بدون واسطه صورت می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۳). در این پژوهش، نظام بصری را «عناصر و ویژگی‌های قابل دیدن» پدیده ادراک‌شونده (محیط) می‌دانیم که در ارتباطی پیوسته و هم‌زمان با ادراک‌کننده (انسان)، منجر به ادراک منظر به عنوان



تصویر ۵. پیاده‌راه تربیت، تبریز. مأخذ: www.touristgah.com



تصویر ۶. پیاده‌راه استقلال، استانبول. مأخذ: www.topinturkey.com



تصویر ۷. پیاده‌راه هفده شهریور، تهران. مأخذ: www.mehrnews.com

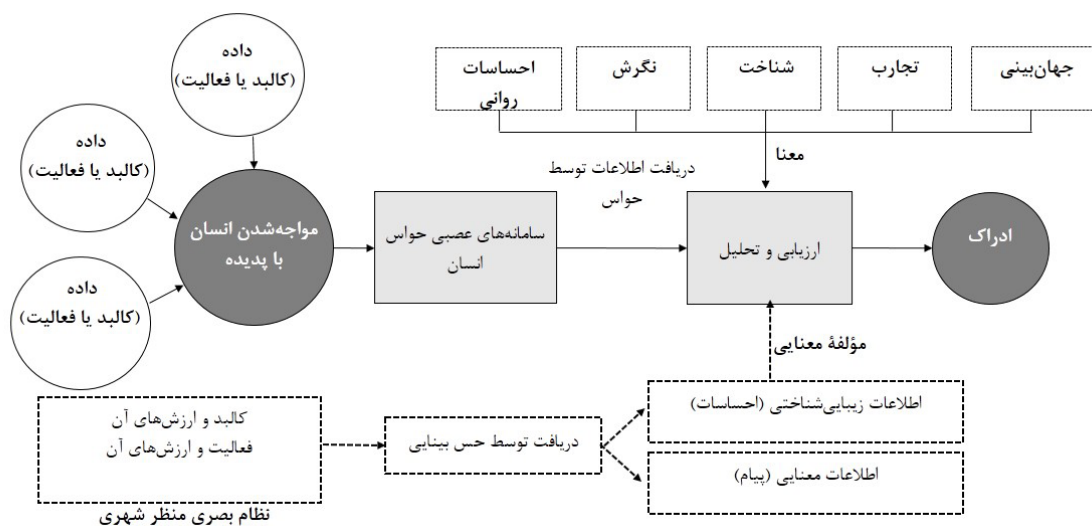


تصویر ۸. پیاده‌راه هفده شهریور، تهران. مأخذ: www.mehrbox.ir

بازشناسی مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری، عناصر و ارزش‌ها

جدول ۲. نظریات مرتبط با ادراک بر اساس مطالعات. مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	نظریه	محتوای نظریه
کوین لینچ	تصویر ذهنی شهروندان از شهر	- تصور ذهنی شهروندان از شهر، تعیین‌کننده بخش مهمی از کیفیت بصری شهر - ایجاد تصور ذهنی توسط عوامل متحرک شهر (مردم و فعالیت‌های آنها) و عوامل ثابت (کالبد شهر) - انسان‌ها نه تنها ناظر منظر شهرند، بلکه خود جزئی از آن هستند.
جیمز گیسون	بوم‌شناختی و قابلیت محیط	- محیط با قابلیت‌هایی که برای انسان ایجاد می‌کند و منجر به سودمندی می‌شود ادراک می‌شود. - تأکید بر ادراک عملکرد به جای فرم آن - ادراک متفاوتی از قابلیت یک پدیده میان افراد
اگون پرونزویک	مدل احتمالی	- تفسیر فعال فرد از اطلاعات حسی دریافت‌شده از محیط - دریافت محرک‌های پراکنده از محیط و ترکیب مجدد آنها
استفان و راشل کاپلان	پردازش اطلاعات	- استخراج اطلاعات از محیط - دو متغیر انسجام و خوانایی برای درک محیط و دو مورد پیچیدگی و رمز و راز برای کشف آن
ولفگانگ کهلر	گشتالت	- در ادراک بصری، کل از جمع اجزاء بزرگتر است. - الگوهای ادراکی و هم‌ریختی بین شکل‌ها و تجربیات ادراک محیطی با فرایند شکل‌گیری نظام عصبی در انسان - قوانین مجاورت، تشابه، بستگی، تداوم مطلوب، بسته‌بودن، سطح و تقارن
یان گل	فعالیت‌ها در عرصه عمومی	- حضور مردم، فعالیت‌ها و رویدادها یکی از کیفیت‌های عرصه‌های عمومی - فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی - امکان تأثیر بر الگو و میزان فعالیت‌ها با طراحی محیط کالبدی در فضاهای عمومی شهرها
لوییس مامفورد	حضورپذیری فضاها	وجود گروه‌ها و حضور مردم در فضای شهری، شرط موفقیت یک فضای شهری و ادراک بهتر از شهر
یورگ گروتز	زیبایی‌شناسی معماری	- اطلاعات پدیده‌ها در دو سطح: اطلاعات زیبایی‌شناختی تأثیر بر احساسات با جنبه عاطفی و اطلاعات معنایی انتقال اطلاعات و پیام
سایمون بل	عناصر طراحی بصری در منظر	- جنبه‌های کالبدی دریافت محرک‌ها و تشخیص شهودی کیفیت زیباشناختی - توانایی ذهن برای ایجاد ارتباط حسی اطلاعات دریافتی - عناصر پایه کالبدی، ویژگی‌ها و الگوهای سازماندهی عناصر منظر



تصویر ۹. جایگاه حس بینایی در فرایند ادراک منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

یک کل را تشکیل می‌دهند (اشرفی، ۱۳۹۷، ۹۱). نظام بصری، به‌عنوان یک سیستم، از دو انگاره عمده عناصر (اجزای) بصری و کیفیت روابط بین عناصر شکل می‌گیرد و می‌توان آن را

مفهومی عینی-ذهنی می‌شود. نظام در لغت به‌معنای سیستم، دستگاه، قاعده و مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و

ارزیابی بصری منظر بسیار گسترده بوده، از تطبیق نظریه‌های کلاسیک زیبایی‌شناسی (Lothian, 2000) تا نظریهٔ تکامل زیستی (Appleton, 1975)، روان‌شناختی (Bourassa, 1999) و پردازش اطلاعات (Kaplan & Kaplan, 1989) را دربرمی‌گیرد. در میان رویکردهای مربوط به کیفیت‌های بصری منظر، توجه به رویکردهای عینی-ذهنی بسیار مورد توجه قرار گرفت و در ارزیابی منظر و ارتباط آن با ویژگی‌های فرستندهٔ اطلاعات (ادراک‌شونده) یا تفسیر گیرنده (ادراک‌کننده) پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. یکی از چارچوب‌های پیشگام در ارزیابی منظر که در بریتانیا از دههٔ ۱۹۸۰م. آغاز و از آن زمان توسط بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفت، ارزیابی ویژگی منظر (LCA) با هدف تغییر از توصیف منظر نمادین به توصیف منظر به صورت عمومی و دستیابی به ویژگی‌هایی بود که موجب تمایز یک منظر از محدوده‌های اطراف آن می‌شد (Fairclough, Sarlöv Herlin & Swanwick, 2018). دستورالعمل‌های LCA بر اهمیت تجربیات فردی در دریافت اطلاعات منظر از طریق حواس چندگانه تأکید می‌کند (Tudor, 2014).

از نظر آگوستین برک (۲۰۰۰)، «محیط» فضایی است که جامعه را احاطه کرده، جامعه در آن عمل می‌کند و به نوبهٔ خود بر آن اثر می‌گذارد. محیط «رابطه‌ای است که جامعه را با فضا و طبیعت پیوند می‌دهد و این رابطه هم کالبدی و هم پدیدارشناختی است» (Gerber & Hess, 2017) و محیط به همان اندازه که رفتار انسان را شکل می‌دهد، توسط فعالیت‌های انسان‌ها شکل می‌گیرد (Antrop, 2005). بسیاری از فعالیت‌های انسانی ضرورتاً در فضا تجلی می‌یابند و «فعالیت» وجه و عنصر اساسی هر مکان طبیعی یا انسان‌ساخت است و از طرف دیگر، اجزا و عناصر مشخص و فعالیت‌های انسانی می‌تواند به یک فضا شخصیت و روح بخشد (پارسی، ۱۳۸۱). صاحب‌نظران متعددی به لزوم ایجاد فعالیت و سرزندگی در فضاهای شهری برای ارتقای کیفیت آنها پرداخته‌اند و این موضوع پس از ظهور پست‌مدرنیسم، به تدریج گسترش یافت؛ به طوری که امروزه، یکی از مهم‌ترین کارکردهای فضاهای باز شهری، امکان برقراری تعاملات اجتماعی میان شهروندان است. اطلاعات و پیام‌های بصری «فعالیت» در فضاهای شهری، با حضور انسان در هر فضا، توسط حس بینایی دریافت می‌شود و حتی گاهی نوع و شدت فعالیت در فضای شهری و نحوهٔ ارتباط افراد با یکدیگر، عناصر کالبدی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. ویلیام وایت، آنچه بیش از هر چیز دیگری عامل جذب مردم در فضای شهری است را حضور سایر افراد در فضا می‌داند (منصوری و جهان‌بخش، ۱۳۹۲، ۹۳) و معتقد است مردم نظر خود در مورد کیفیت و رضایت از فضا را با حضورشان اعلام می‌کنند (قلمبر دزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۸). استفان کار معتقد است خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها

ارتباط، انتظام و انسجام حاکم بر عناصر و قسمت‌های مختلف عرصه‌های کالبدی-بصری شهری دانست که توسط انسان «دیده» می‌شود. نظام بصری، انتظام هم‌پیوندی و انسجام حاکم بر ارتباط بصری میان عناصر و اندام‌های شهری، وضوح و حضور کیفیت‌های بصری سازندهٔ هویت در منظر شهری و مطالعهٔ نظام بصری، تشخیص قابلیت‌ها، هویت و کیفیت‌های بصری موجود در سطح شهر است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۸؛ ذکات، ۱۳۸۵). ارزش‌های بصری مهم‌ترین بخش از کیفیت‌های محیطی است که عامل تقویت یا تضعیف حس مکان و تعلق خاطر افراد به محیط خود می‌شود (شکیبی، ۱۳۹۰)، (تصویر ۱۰).

بحث

کالن با تأکید بر جنبهٔ عینی منظر شهری به نظم، تنوع و پیچیدگی، ایجاد شگفتی و توالی فضایی به عنوان معیارهای اصلی منظر شهری مطلوب اشاره کرد (کالن، ۱۳۹۲) و سه جزء روشی که منظر شهری با آن درک می‌شود را دید متوالی (مجموعه‌ای از دیدها)، احساس مکان و محتوا (ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر فضا) می‌دانست (چپمن، ۱۳۹۴، ۱۹۲). بل الگوهای بصری را حاصل شکل‌گیری چیدمان اجزای عناصر پایه (نقطه، خط، سطح و حجم) در کنار هم می‌داند که دارای ویژگی‌های فرمی و الگوهای متنوع سازماندهی و ترکیب هستند (بل، ۱۳۹۴). نسر با نظریهٔ «تصویر ذهنی ارزیابانه»، کیفیت‌های محیط بصری و تأثیر آن‌ها بر احساسات و استنباط افراد را ارزیابی کرده و شکل‌دهی و دوباره شکل‌دهی شهر با یک «برنامهٔ بصری» را پیشنهاد کرده است (Nasar, 1990, 50). یکی از مهم‌ترین نظریات مرتبط با کیفیت بصری منظر، متعلق به کاپلان‌ها است: «فرایند ادراک شامل استخراج اطلاعات از محیط توسط فرد است» و چهار متغیر پیش‌بینی‌کننده شامل دو متغیر انسجام و خوانایی (برای کمک به درک محیط) و دو متغیر پیچیدگی و رمز و راز (برای کشف آن) را معرفی می‌کنند. در نظریهٔ چشم‌انداز و پناهگاه اپلتون، دیدن بدون دیده‌شدن، منجر به ترجیح منظر در موقعیت‌هایی است که مزیت شکار یا پنهان شدن را فراهم می‌کند. وی نتیجه گرفت که زیبایی‌شناسی به وضوح مطلوب‌تر از پیچیدگی است (Lothian, 2000, 54). نظریه‌های مرتبط با



تصویر ۱۰. الگوی کلی نظام بصری منظر شهری. مأخذ: نگارندگان

منظر اروپا، ارزیابی منظر باید با در نظر گرفتن ارزش‌های خاص فردی و اجتماعی کاربران و ذی‌نفعان و مشتمل بر ادراک حسی (بصری، شنوایی، بویایی، لامسه، چشایی) و عاطفی از محیط و شناخت تنوع و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی که برای احترام و غنی کردن هویت فرد و جامعه اهمیت دارد، انجام پذیرد (COE, 2008). ادراک از طریق تجربه کالبد، می‌تواند بیشتر با فهم منظر به عنوان یک حوزه فعالیت مرتبط باشد تا با فهم آن به عنوان یک تصویر یا صحنه؛ در نتیجه، رویکردهای صرفاً بصری متمرکز بر کالبد را نمی‌توان در مطالعه منظر به عنوان یک زمینه برای فعالیت، تمرین یا عادت افراد کافی دانست. کاربری زمین، یعنی فعالیت‌های انسانی که در فضا شکل می‌گیرد، مولد اصلی منظر است (Eiter, 2010) و پژوهش صورت گرفته توسط هفرنن و همکارانش نیز نشان داد که بین کیفیت یک جداره فعال فضای شهری و ادراک کاربران، رابطه مستقیمی وجود دارد و با بهبود کیفیت فعالیت، فضا برای کاربران امن، راحت، سرزنده، اجتماعی، دلپذیر، دلنشین و جذاب ادراک می‌شد (Heffernan, Heffernan & Pan, 2014). به این ترتیب، اطلاعات پدیدۀ ادراک‌شونده منظر شهری (محیط) توسط حواس مختلف انسان دریافت می‌شود و در رویکرد کل‌نگر، در ارتباطی پیوسته و هم‌زمان با وجه ذهنی آن توسط انسان ادراک می‌شود؛ «دیدن»، مهم‌ترین حس انسان است و بیشترین اطلاعات محیط از طریق این حس دریافت می‌شود و آنچه در نظام بصری منظر شهری اهمیت می‌یابد، «عناصر قابل دیدن منظر شهری» خواهد بود و بر اساس مطالعه، شامل کالبد و فعالیت در فضا و کیفیت‌های آن‌ها خواهد بود. اگر کلیه عوامل مؤثر در منظر شهری که توسط فرد ادراک می‌شوند را در سه دسته کالبدی، فعالیتی و معنایی قابل تبیین بدانیم، آنچه در «نظام بصری منظر شهری» اهمیت می‌یابد، جنبه‌های قابل دیدن آن است که در کنار ارزش‌های (کیفیت‌های) بصری و بر اساس نظریات بررسی شده، مبتنی بر «کالبد» و «فعالیت» قابل ارائه خواهد بود (جدول ۳). بر این اساس، ادراک منظر شهری، بر مبنای دریافت اطلاعات و پیام‌ها از اطلاعات پدیدۀ ادراک‌شونده در منظر شهری (محیط شامل کالبد و فعالیت) صورت می‌گیرد و براساس ویژگی‌های فردی و اجتماعی، احساسات، خاطرات و تجارب ذهنیت منظر شهری را تشکیل داده، در ارتباطی پیوسته و هم‌زمان، معنا یافته و منجر به ادراک می‌شود.

• مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری

بسیاری از پژوهش‌های اخیر، در تحلیل نظام بصری منظر شهری، صرفاً بر عناصر کالبدی، ویژگی‌های آنها و نوع سازماندهی آنها تأکید دارند و کمتر به عنصر «فعالیت» که به دلیل وجود کالبد و حضور انسان (به عنوان یکی از عناصر کالبدی)، شکل می‌گیرد، پرداخته شده است. آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، ویژگی‌های بصری مجموعه «کالبد» و «فعالیت» در

و سایر فضاهای عمومی شهری می‌تواند «صحنه‌ای باشد که در آن نمایش زندگی جمعی آشکار می‌شود». نقشی که فضاهای عمومی بر عهده دارند، فراهم «وردن عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی و مکانی برای مشارکت فعال و اجتماعی با دیگران و مواجهه افراد برای یادگیری، نگرش‌ها و اعتقادات متفاوت است (Mehta, 2014, 56). یان گل حضور مردم، فعالیت‌ها و رویدادها را یکی از کیفیت‌های عرصه‌های عمومی می‌داند و فعالیت‌های فضای عمومی را در سه دسته فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی می‌داند و شرایط تحقق بهتر و بیشتر فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی را تنها در صورت مطلوب بودن شرایط محیط بیرونی میسر می‌داند (گل، ۱۳۹۷). آموس راپاپورت تفاوت محیط کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند و معنا را حاصل عملکرد و خصوصیات کالبدی محیط و فضای شهری را محیطی اجتماعی بر پایه فرهنگ می‌داند که بستری برای ارتباطات و تعاملات ایجاد می‌کند؛ شناخت فضای شهری در برآیند شناخت فرم کالبدی آن و نوع و میزان ارتباطات اجتماعی که در آن صورت می‌گیرد است (راپاپورت، ۱۳۹۲). او در نظریه ارتباط غیرکلامی، بین ادراک و تداعی به‌عنوان دو روش مکمل در دریافت محیط ساخته‌شده تمایز قائل است و آنچه افراد از محیط درک می‌کنند، ترکیبی است از آن چیزی که در آن لحظه از دنیای بیرونی درک می‌کنند (عینیت) و تداعی‌هایی که بر اساس تجربه دنیای کالبدی و سایر مردم برایشان شکل می‌گیرد (ذهنیت). به این ترتیب، محیط ساخته‌شده، از نشانه‌هایی شامل عناصر کالبدی (دیداری، بویایی و شنیداری)، اجتماعی (مردم، فعالیت‌ها و کاربری‌ها) و تفاوت‌های زمانی تشکیل شده است (شاهین‌راد، رفیعیان و پورجعفر، ۱۳۹۴). جین جیکوبز در ۱۹۶۱م. در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی» ضمن تأکید بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی معتقد بود آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر، به‌ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن است. او معتقد است که پیچیدگی و سرزندگی کاربری‌ها، ساخت و شکل مناسبی به شهر می‌دهد. خیابان‌ها و فضاهای شهر دارای صحنه‌های مهم بصری‌اند و فعالیت و جزئیات مرتبط با آن نیز اطلاعات بصری قابل توجهی به فرد منتقل می‌کند (جیکوبز، ۱۳۹۲). این نشان‌دهنده ارتباط متقابل دیدن کالبد و فعالیت‌های انسانی با ادراک منظر شهری است. او معتقد بود فعالیت در فضای شهری، علاوه بر آنکه نشانه‌ای از کیفیت محیط است، می‌تواند منجر به ارتقای کیفیت آن نیز بشود. جیکوبز و گل استدلال می‌کردند که مکان‌های موفق شهری عمدتاً مبتنی بر زندگی خیابانی و گونه‌های مختلف فعالیت در داخل ساختمان‌ها و در فضای میان آنها شکل می‌گیرند و باید دارای کیفیت در سه عنصر اساسی فضای کالبدی، فعالیت و تجربه حسی باشند (Montgomery, 1998, 95). طبق تعریف کنوانسیون

جدول ۳. مؤلفه‌های قابل دیدن در فضای شهری بر اساس مطالعات انجام شده. مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	کالبد	فعالیت
کامیلو سیت	زیبایی بصری، محصوریت، آثار تاریخی، تداوم بصری	-
گوردون کالن	نظم، تنوع و پیچیدگی، دید متوالی	-
ادوارد لوزانو	جهت‌گیری، تنوع	تنوع فعالیت
یان بنتلی	نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسب بصری، پاکیزگی، غنای حسی	انعطاف‌پذیری، کارایی، رنگ تعلق
دفتر معاونت نخست وزیر انگلستان	پاکیزگی، دسترسی، جذابیت، دربرگیری، ایمنی، تمایز و تشخیص	راحتی، سرزندگی و پویایی، عملکرد مناسب، امنیت
هرزوک	انسجام، پیچیدگی، قدمت	-
راب کریر	زیبایی بصری	عناصر و فعالیت‌های عرصه عمومی
لوییس مامفورد	نظم، زیبایی و وحدت، موقعیت قرارگیری و ساختار شهر	هماهنگی طراحی با انسان، سلامت روان
هانا آرنه	-	نوع فعالیت، تعاملات اجتماعی
یان گل	حفاظت، راحتی، پاکیزگی	تعامل و حیات اجتماعی، فعالیت در فضا، حس امنیت
استفان کار	راحتی و آسایش، ارتباط با محیط	تعاملات اجتماعی، زمینه مشارکت فعال، دموکراتیک و در پاسخ به نیازها
سوزان کروهرست لئارد و هنری لئارد	-	پاسخ به ا فشار مختلف، امکان استفاده دائمی گروه‌های مختلف، ایجاد حس کنجکاوی، ایجاد تجربه فضایی، تسهیل انجام فعالیت، حس تعلق
اسکار نیومن	-	ایجاد امنیت
پورتا و رنه	مقیاس انسانی، انسجام فضایی، طبیعت‌گرایی و پوشش گیاهی	فعالیت متناسب
ادوارد رلف	تشخیص مکان، ابعاد بومی و زمینه	تعاملات افراد با یکدیگر، آیین‌ها و سنت‌ها، امکان کسب تجربه در فضا
سایمون بل	تنوع و پیچیدگی، انسجام و ترکیب، رموز بودن، مقیاس	-
ادوارد تی هال	-	ایجاد فضای تعاملات، تعیین حوزه رفتاری
کوین لیچ	خوانایی، جهت یابی، کیفیت عناصر منظر، تناسب و سازگاری با محیط، دسترسی، شناسایی فضا	تعامل انسان با محیط، آسایش، کارایی، عدالت
متیو کرمونا	پایداری محیط‌زیستی، کیفیت بصری و دیده‌ها، فرم شهری، محصوریت فضا، آسایش و نور، کیفیت معماری پیرامون، دسترسی، ایمنی، نشانه	امنیت فضا، هنرهای همگانی، اختلاط و کاربری، همه‌شمول بودن فضا
آموس راپاپورت	-	فرهنگ و ارزش‌های فرهنگ
کریستوفر الکساندر	-	زنده بودن شهر
فرانسیس تیبالدز	زمینه‌گرایی، مقیاس انسانی، آسایش، پیچیدگی، شادی‌بخش بودن، خوشایندی بصری	کاربری‌های مختلف، مشارکت اجتماعی، انعطاف‌پذیری، تبلور فرهنگ
گرین	ارتباط فضایی، آسایش اقلیمی، وضوح، پیوستگی، تعادل، مقیاس، هویت	نوع عملکرد، امنیت، جذابیت فعالیت و شکل‌دهی به کانون‌ها
PPS	دسترسی و ارتباطات، آسایش	کاربری‌ها و نوع فعالیت، اجتماع‌پذیری
شولتز	شخصیت متمایز فضا	تعامل و ارتباط با دیگران
اپلتون	زیبایی‌شناسی، فهم نیازهای محیط زیستی، بقای انسان	تجربه زندگی
کاپلان‌ها	انسجام، پیچیدگی، غنای بصری، خوانایی، رمزآلودی	-
جین جیکوبز	تنوع بناها، نفوذپذیری، تنوع فضایی	تعاملات اجتماعی، فعالیت مناسب، کاربری‌های مختلف، اختلاط اجتماعی، انعطاف‌پذیری فضا برای فعالیت‌های مختلف، تنوع اقتصادی
جک نسر	خوانایی، طبیعی بودن، نگهداری، بازبودن، نظم، دیده‌های گسترده و محصوریت، تاریخی بودن	-
ویلیام وایت	-	حیات اجتماعی، میزان حضور افراد در فضا، نقش اجتماعی فضای شهری
جان لنگ	جزئیات طراحی	الگوهای تعامل اجتماعی، تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی

«کالبد» و «فعالیت» شکل گرفته در آن توسط حواس انسان دریافت می‌شود، هم‌زمان معنا می‌یابد و منظر شهری را تشکیل می‌دهد. بخش مهمی از اطلاعات، توسط حس بینایی دریافت می‌شود و نظام بصری منظر شهری را تشکیل می‌دهد. آنچه در واقعیت بیرونی در فضای شهری وجود دارد و بخش قابل توجهی از اطلاعات آن با دیدن توسط انسان دریافت می‌شود، هم شامل کالبد است که به صورت مادی وجود دارد و هم فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که به واسطه وجود کالبد و حضور انسان (که خود دارای بعد مادی و کالبدی است و در فضای شهری فعالیت انجام می‌دهد)، در فضا شکل می‌گیرد، توسط مخاطب دیده و هم‌زمان با معنای شکل گرفته ادراک می‌شود؛ به طوری که گاهی دیدن کالبد یا فعالیت انسان‌ها در فضا، بسته به شدت و اهمیت آن، جنبه غالب‌تری نسبت به دیگری می‌یابد و عنصر اثرگذارتری در نظام بصری و ادراک انسان از فضا محسوب می‌شود. فعالیت در فضای شهری، حاصل ارتباط میان انسان‌ها، اشیاء و اجزایی است که اگر به صورت مجرد دیده شوند، دارای کالبد هستند، اما ارتباط آنها با یکدیگر در فضای شهری یا وضعیت آنها، فعالیت را شکل می‌دهد و هرچه در فضا قوی‌تر و با شدت بیشتری باشد، اثرگذاری بصری بیشتری بر انسان داشته و با اهمیت بیشتری نسبت به کالبد توسط انسان دیده می‌شود و در ترکیب توأمان با وجه ذهنی منظر شهری، در فرایند ادراک اثرگذاری بیشتری خواهد داشت. اطلاعات کالبد و فعالیت در ترکیب با یکدیگر، با حواس مختلف و از جمله بینایی دریافت می‌شوند و هم‌زمان با وجه ذهنی منظر شهری، معنا یافته و ادراک می‌شوند؛ کیفیت‌های بصری فضاهای شهری که در این پژوهش تحت عنوان «ارزش‌های عناصر بصری منظر شهری» طرح شده‌اند نیز در نظام بصری منظر شهری مؤثر هستند. چارچوب نظام بصری منظر شهری، متشکل از عناصر بصری و ارزش‌های آن، مطابق تصویر ۱۱ قابل ارائه است.

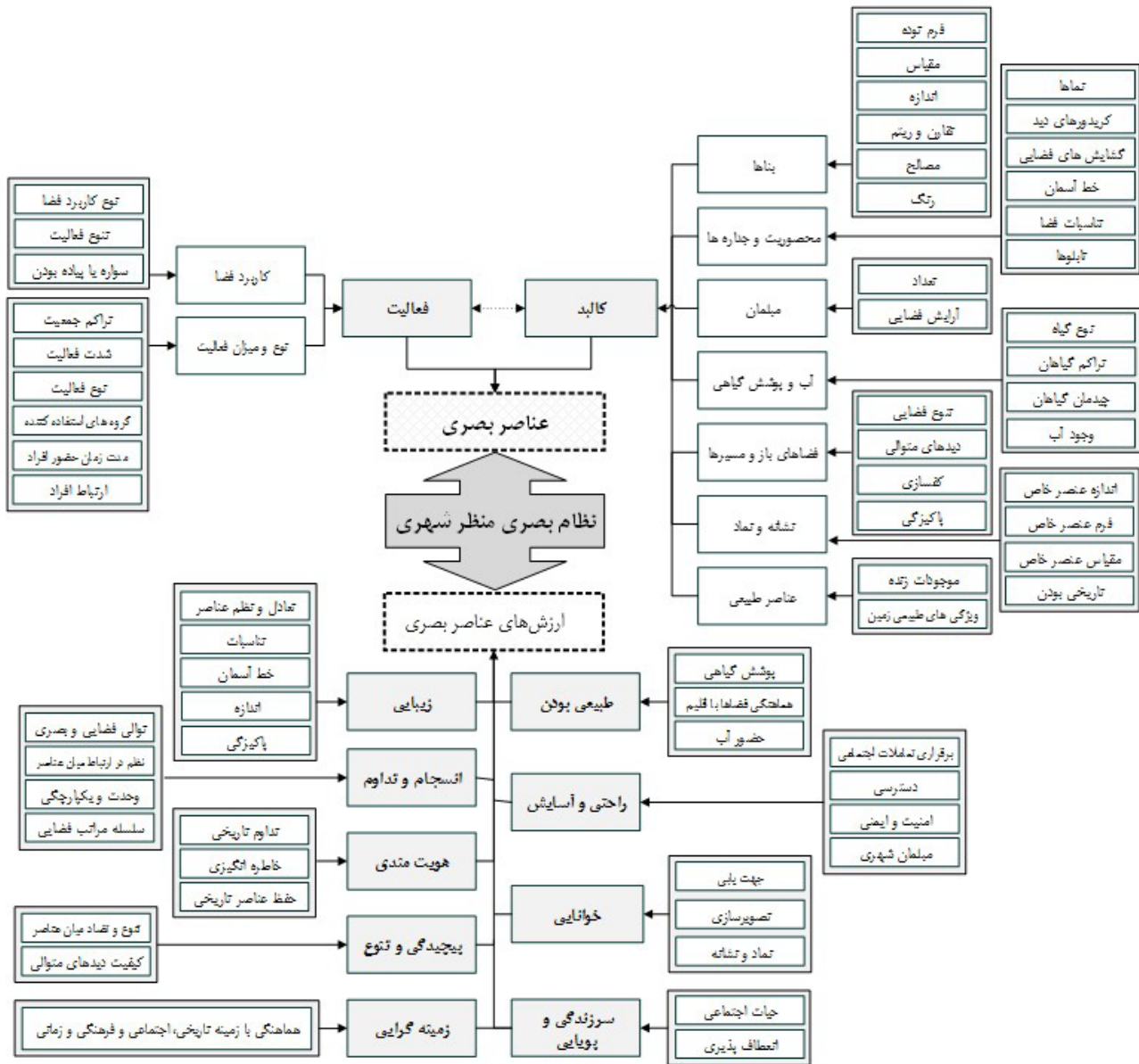
فضای شهری است. بخشی از آنچه در منظر قابل دیدن است، نمود بصری فرم‌های سه‌بعدی و ارتباط آن‌ها در فضای بیرونی است که توسط نظام ساختاری آن (مانند تعادل، تنش، ریتم، نسبت، مقیاس) و اصول نظم (مانند محور، تقارن، سلسله‌مراتب) بیان می‌شود (Nijhuis, 2011, 109). علاوه بر این، با تأکید بر نظریه‌ها و پژوهش‌های بررسی شده، فعالیت‌هایی که در فضای شهری صورت می‌گیرد، توسط مخاطب قابل دیدن است و در فرایند ادراک نقش دارد. هر اطلاعات مرتبط با کالبد و فعالیت که از طریق دیدن قابل دریافت است، مؤلفه‌ای از نظام بصری منظر شهری و شامل عناصر و ارزش‌های (کیفیت) بصری منظر شهری خواهد بود. علاوه بر عناصر بصری، کیفیت‌ها یا ارزش‌های آنها نیز دارای اهمیت است؛ بسیاری از ارزش‌ها بر ادراک منظر تأثیر گذارند. مطالعه ارزش‌های موجود که بر ادراک منظر تأثیر می‌گذارند، می‌تواند در ارائه دستورالعمل برای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی راهبردی و تعریف انواع شاخص‌ها، دارای اهمیت باشد (Cassatella, 2011). منظور از کیفیت بصری شهرها، استعدادی در آنهاست که می‌تواند احساس مثبت (رضایت و علاقه) و یا منفی (ناراضی، انزجار و دوری) شهروندان را برانگیزد و احساسی که اساس آن را ادراک ویژگی‌های محیط شهر و تصویر ذهنی ایجاد شده، شکل می‌دهد (شاهین‌راد، رفیعیان و پورجعفر، ۱۳۹۴، ۱۱). تحلیل محتوای نظریات و مطالعات صورت گرفته، ویژگی‌هایی را به عنوان کیفیت‌ها (ارزش‌های) بصری کالبد و فعالیت در منظر ارائه می‌کند که در جدول ۴ قابل دسته‌بندی بوده و شامل اصول نه‌گانه طبیعی بودن، آسایش و راحتی، خوانایی، زیبایی، سرزندگی و پویایی، هویت‌مندی، انسجام و تداوم، پیچیدگی و تنوع و در نهایت زمینه‌گرایی هستند.

نتیجه‌گیری

منظر شهری، دارای دو وجه توأمان عینی-ذهنی است و اطلاعات

جدول ۴. ارزش‌های بصری کالبد و فعالیت منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

ارزش بصری	صاحب نظر
طبیعی بودن	نسر، لینچ، بنتلی، کرمونا، امین‌زاده، مک‌هارگ، PPS، پورتا و رنه، لوزانو
آسایش و راحتی	آلن جیکوبز و دونالد اپلیارد، تیبالدز، PPS، راپاپورت، کریر، مامفورد، جیکوبز، وایت، استفان کار، هال، گل، لینچ، کریر
خوانایی	لینچ، اپلیارد، کاپلان، هرزوغ، تیبالدز، PPS، بنتلی، نسر
زیبایی	هرزوغ، نسر، لینچ، تیبالدز، PPS، سیت، بنتلی، کرمونا، کریر، امین‌زاده
سرزندگی و پویایی	آلن جیکوبز و دونالد اپلیارد، لینچ، الکساندر
هویت‌مندی	کرمونا، آلن جیکوبز و دونالد اپلیارد، راپاپورت، لنارد و لنارد، امین‌زاده
انسجام و تداوم	هرزوغ، کاپلان، کالن، کرمونا، PPS، بل، نسر، لینچ
پیچیدگی و تنوع	نسر، هرزوغ، کاپلان، کالن، تیبالدز، بنتلی، بل، کریر، لنارد و لنارد
زمینه‌گرایی	PPS، نسر، هرزوغ، الکساندر، لوزانو، بنتلی، کرمونا، مک‌هارگ، امین‌زاده



تصویر ۱۱. چارچوب نظام بصری منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

* این مقاله، برگرفته از رسالهٔ دکتری میترا کریمی با عنوان «منظر شهری و کیفیت زندگی؛ نظام بصری فضاهای باز شهری در محلات ناکارآمد مناطق جنوبی شهر تهران» است که به راهنمایی دکتر «محمد رضا بمانیان» و مشاورهٔ دکتر «مجتبی انصاری» و دکتر «سیدامیر منصوری» در سال ۱۴۰۰ در دانشکدهٔ هنر دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

۱. Landscape Character Assessment

فهرست منابع

- اشرفی، نسیم. (۱۳۹۷). تبیین میانی معرفت‌شناسی معماری و شهرسازی با نگرش سیستمی. هویت شهر، ۱۲(۳۳)، ۸۹-۹۸.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۵). ارزش‌ها در طراحی منظر شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- انصاری، مجتبی؛ پورجعفر، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۳۸۸). بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری. نامه معماری و شهرسازی، ۲(۲)، ۷۱-۹۱.
- بحرینی، سیدحسین؛ علی قلعه‌باباخانی، ملیحه و سامه، رضا. (۱۳۹۳). تبیین ماهیت رویکرد کیفیت زندگی شهری در تئوری‌های طراحی شهری. آرمان‌شهر، ۱۳(۱)، ۱۵۱-۱۶۷.
- بل، سایمون. (۱۳۹۴). عناصر بصری معماری منظر (ترجمه محمد احمدی‌نژاد). تهران: نشر خاک.
- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شناخت محتوی فضای شهری. هنرهای زیبا، ۱۱(۱)، ۴۱-۴۹.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). سیمای شهر، آنچه کوین‌لینچ از آن می‌فهمید. آبادی، ۵۳(۲۰)، ۲۵-۲۰.
- پورتوس، جی داگلاس. (۱۳۹۱). زیبایی‌شناسی محیط زیست و معماری منظر (ترجمه لیلآ آقاداتاشی). تهران: کله‌ر.
- پوردیهیمی، شهرام و سیدکلان، ساسان. (۱۳۹۱). فضای منظر، پیوندگاه فرهنگ و طبیعت. مسکن و محیط روستا، ۱۷(۱۳۸)، ۲۸-۱۷.
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی). تهران: دانشگاه تهران.
- چپمن، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت (ترجمه منوچهر طبیبیان و شهرزاد فریادی). تهران: دانشگاه تهران.
- حیدری، علی اکبر؛ مطلبی، قاسم و نکویی‌مهر، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دلبستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان. هنرهای زیبا، ۱۱(۱)، ۱۵-۲۲.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۵). چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر. آبادی، ۵۳(۲۶)، ۳۷-۲۶.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته‌شده (ترجمه فرح حبیب). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- شاهین‌راد، مهنوش؛ رفیعیان، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). ارزیابی ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران. تازه‌های علوم شناختی، ۱۱(۱)، ۲۴-۱۰.
- شکیبی، نگین. (۱۳۹۰). بهبود کیفیت‌های بصری و منظری در بافت‌های تاریخی شهر: طراحی منظر خیابان پانزده خرداد تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده معماری منظر). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- صالحی‌نیا، مجید و نیرومند، مهدیه. (۱۳۹۷). تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز. شهر ایرانی-اسلامی، ۸(۳۱)، ۳۱-۱۹.
- قلمبر دزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳). طراحی فضای شهری به منظور ارتقای تعاملات اجتماعی. هویت شهر، ۸(۱۷)، ۲۴-۱۵.
- کالن، گوردون. (۱۳۹۲). گزیده منظر شهری (ترجمه منوچهر طبیبیان). تهران: دانشگاه تهران.
- کاوش‌نیا، حامد؛ بندرآباد، علیرضا و مدیری، اتوسا. (۱۳۹۶). مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل‌گیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی. مدیریت شهری، ۴۹(۱۷۰-۱۵۱)، ۱۷۰-۱۵۱.
- گل، یان. (۱۳۹۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها (ترجمه شیما شصتی). تهران: جهاد دانشگاهی.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر، سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، ۵(۴)، ۹۵-۱۱۴.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر (ترجمه سیدحسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران.
- ماتلاک، جان. (۱۳۹۴). آشنایی با طراحی محیط و منظر (ترجمه سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران). تهران: سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران.
- مجیدی، مریم؛ منصوری، سیدامیر؛ صابرزاد، ژاله، و براتی، ناصر. (۱۳۹۸). نقش رویکرد منظرین در ارتقای رضایتمندی از محیط شهری. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۴۵-۵۶.
- محمودی، محمدمهدی. (۱۳۸۱). تأثیر بزرگراه‌های درون شهری در تغییر منظر شهری تهران. هنرهای زیبا، ۱۲(۱۲)، ۵۹-۶۵.
- مختاری، مرضیه و نظری، جواد. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی. تهران: جامعه‌شناسان.
- منصوری، سیدامیر و شفیعا، سعید. (۱۳۹۸). آشنایی با منظر (گردشگری منظر). تهران: مه‌کامه.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. باغ نظر، ۱(۲)، ۷۸-۷۰.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- منصوری، سید تاج‌الدین و جهان‌بخش، حیدر. (۱۳۹۲). چگونگی ارتقای کالبد و منظر شهری از طریق احیای ارزش‌های فرهنگی-تاریخی شهر. برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، ۱۱(۳)، ۸۹-۱۰۲.
- همتی، مرتضی و صابونچی، پریچهر. (۱۴۰۰). ادراک‌کننده، ادراک‌شونده، محصول ادراک (ارزیابی تعابیر صاحب‌نظران از مؤلفه‌های تعریف منظر). منظر، ۱۳(۵۶)، ۱۴-۲۹.
- وحدت، سلمان؛ سجادزاده، حسن و کریمی‌مشاور، مهرداد. (۱۳۹۴). تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری. مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۱۷-۳۵.
- Antrop, M. (2005). Why Landscapes of the Past are Important for the Future. *Landscape and Urban Planning*, 70(1-2), 21-34.
- Bell, S. (2001). Landscape Pattern, Perception and Visualisation in the Visual Management Forests. *Landscape and Urban Planning*, (54), 201-211.
- Cassatella, C. (2011). *Landscape Indicators: Assessing and Monitoring Landscape Quality*. London: Springer.
- COE (Council of Europe). (2008). *Guidelines for the implementation of the European landscape convention*. Achievable: <https://rm.coe.int/16802f80c9>.
- Eiter, S. (2010). Landscape as an Area Perceived through Activity: Implications for Diversity Management and Conservation. *Landscape Research*, 35(3), 339-359.
- Fairclough, G., Sarlöv Herlin, I. & Swanwick, C. (2018). *Routledge Handbook of Landscape Character Assessment*. London: Routledge.
- Förster, F., Großmann, R., Iwe, K. & Kinkel, H. (2012). What is Landscape? Towards a Common Concept within an Interdisciplinary Research Environment. *eTopoi*, (3), 169-179.
- Gerber, J. D., & Hess, G. (2017). From landscape resources to landscape commons: Focussing on the nonutility values of landscape. *International Journal of the Commons*, 11(2), 708-732.
- Heffernan, E. E., Heffernan, T. W. & Pan, W. (2014). *The relationship*

between the quality of active frontages and public The relationship between the quality of active frontages and public. Faculty of Engineering and Information, 1-31. Retrieved March 1, 2022, from <https://ro.uow.edu.au/eispapers/6132>

- Kaymaz, I. (2012). *Landscape Perception*. Ankara: InTech.
- Lothian, A. (2000). *Landscape quality assessment of South Australia* (Unpublished Ph.D thesis). University of Adelaide, Adelaide. Available from: [*Planning Association*, 56\(1\). 41-53](http://thesis.library.adelaide.edu.au/public/adt-SUA20060615.142413/Mehta, V. (2014). Evaluating Public Space. Urban Design, 19(1), 53-88.
• Memlük, M. (2012). Urban Landscape Design. In: M. Ozyavuz (ed.), <i>Landscape Planning</i>. Rijeka: InTech, pp. 227-298.
• Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and Urban Design. <i>Urban Design</i>, 3(1), 93-116.
• Nasar, J. (1990). The Evaluative Image of the City. <i>The American</i>

</div>
<div data-bbox=)

- Nijhuis, S. (2011). *Visual research in landscape architecture*. V. 2. Amsterdam: TU Delft.
- Nishimura, K. (2019). The Aesthetic Appreciation of Landscape. In A. Verissimo Serrao & M. Reker (Ed.), *Philosophy of Landscape: Think, Walk, Act*. Lisbon: Center fo philosophy.
- Ode Sang, A., Tveit, M. & Fry, G. (2008). Capturing Landscape Visual Character Using Indicators: Touching Base with Landscape Aesthetic Theory. *Landscape Research*, 33(1), 89-117.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Tudor, C. (2014). *An Approach to Landscape Character Assessment*. London: Natural England.
- Watmann, F. M., Frick, J., Kienast, F., & Hunziker, M. (2021). Factors influencing visual landscape quality perceived by the public. Results from a national survey. *Landscape and Urban Planning*, (208), 1-10.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

کریمی، میترا؛ بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی و منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری، عناصر و ارزش‌ها. منظر، ۱۵(۶۲)، ۷۲-۸۵.

DOI: 10.22034/MANZAR.2022.306979.2156
URL : http://www.manzar-sj.com/article_149837.html

